

آیت‌الله جنتی:

رهبر انقلاب سدی شکست‌ناپذیر در برابر دشمنانند

دبیر شورای نگهبان گفت: مقام معظم رهبری سدی شکست‌ناپذیر در برابر زیاده‌خواهی دشمنانند. آیت‌الله احمد جنتی در ابتدای جلسه دیروز شورای نگهبان با اشاره به فرارسیدن ایام‌الله دهه فجر و سالروز پیروزی انقلاب اسلامی گفت: انقلاب اسلامی با تکیه بر آموزه‌های الهی اسلام ناب محمدی(ص) و با مجاهدت مردم مؤمن ایران به رهبری حضرت امام خمینی(ره) به ثمر نشست و امید حق‌طلبان جهان را در برابر قدرت‌های استکباری زنده کرد. وی تأکید کرد: استقرار جمهوری اسلامی ایران بر مبنای نظر به مردم‌سالاری دینی، صرفاً تغییر یک نظام سیاسی نبود، بلکه تحقق حاکمیتی بود که ایمان دارد تنها راه سعادت بشر، اداره جامعه بر اساس تعالیم الهی است. دبیر شورای نگهبان بابیان اینکه دشمنی تمام‌عیار نظام سلطه از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی با ملت ایران آغاز شد، افزود: قدرت‌های استکباری می‌دانستند اگر آرمان‌های بلند و حق‌طلبانه انقلاب محقق شود، ملت‌های آزاده جهان دیگر حاضر نخواهند بود مناسبات ظالمانه و منفعت‌طلبانه آنان را ببیزند. آیت‌الله جنتی با اشاره به نقش رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای اظهار داشت: رهبر معظم انقلاب اسلامی با ایمان راسخ به سنت‌های الهی و اتکال به قدرت لایزال الهی، همراه با مردم نستوه و مؤمن ایران، چون سدی مستحکم در برابر زیاده‌خواهی دولتمردان آمریکا و سردمداران رژیم صهیونیستی ایستادند و دشمنان را در دستیابی به اهداف شوم خود در مانده کرده‌اند. وی عنوان کرد: مردم صاحبان اصلی انقلابند و هر گاه جمهوری اسلامی ایران توانسته است در برابر توطئه‌ها و دشمنی‌های بی‌پایان استکبار جهانی عزتمندانه بایستد، به برکت ایمان، بصیرت و ولایت‌مداری این ملت بزرگ بوده است. دبیر شورای نگهبان خاطرنشان کرد: امروز کسانی از دلسوزی برای مردم ایران سخن می‌گویند که در کارنامه‌شان چیزی جز خیانت، تحریم و ظلم علیه این ملت دیده نمی‌شود و هرگز نتوانست‌اند عظمت و اقتدار ایران اسلامی را ببیزیند. وی در پایان تأکید کرد: جهاد تبیین وظیفه‌ای الهی و تعطیل‌ناپذیر برای دلسوزان انقلاب است تا در برابر جنگ شناختی دشمنان بایستند و نگذارند آنان با تحریف و وارونه‌نمایی واقعیت‌ها، جنایات خود را پنهان و چهره حقیقی‌شان را تظاهر کنند.

■ ■ ■

عراقی:

تقاضایی برای مذاکره نداشته‌ایم

وزیر امور خارجه گفت تماسی با استیو ویتکاف نداشته است.سیدعباس عراقچی در حاشیه جلسه دیروز هیات دولت در جمع خبرنگاران در پاسخ به سؤالی درباره احتمال تبادل پیام با طرف آمریکایی گفت: در روزهای گذشته تماسی بین من و آقای ویتکاف وجود نداشته است. وی افزود: ما نیز تقاضایی برای مذاکره نداشته‌ایم، البته واسطه‌ها فعال هستند و ما نیز با واسطه‌ها در تمسیر، وزیر امور خارجه در ادامه، در پاسخ به سؤالی درباره همزمان شدن بحث مذاکره و آرایش نظامی نیروهای آمریکا پیرامون کشورمان، عنوان کرد: در عرصه بین‌الملل اینها همیشه با هم بوده‌اند، یعنی هم تهدید و هم دیپلماسی، بحث نظامی و دیپلماسی همیشه مطرح بوده و دنبال می‌شده و هر کدام مسیر خودش را دارد. موضع ما هم دقیقاً همین است که اعمال دیپلماسی از طریق تهدید نظامی نمی‌تواند نتیجه‌بخش و مفید باشد. اگر می‌خواهند مذاکره شکل بگیرد، حتما باید تهدید، زیاده‌خواهی و طرح موضوعات غیرمنطقی را کنار بگذارند.عراقچی گفت: مذاکره مرام خودش را دارد؛ مذاکره باید از موضع برابر، بر اساس احترام متقابل و برای منافع متقابل باشد. اینکه یک طرف بخواهد با استفاده از زور به مقاصد خودش برسد، قابل قبول نیست و نام آن هم دیپلماسی نیست.

■ ■ ■

جانشین فرمانده کل سپاه:

در همه حوزه‌ها با آمادگی بر نامه داریم

جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران با بیان اینکه ما برای همه حوزه‌ها و برای همه زمینه‌ها برنامه داریم و آمادهایم، گفت: دشمن باید مراقب باشد؛ همانطور که در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و فتنه آمریکایی دچار محاسبه غلط شد و در هر ۲ شکست خورد، دچار خطای دیگری نشود. سردار احمد وحیدی پیش از ظهر دیروز در حاشیه سومین جشنواره علمی شهید چمران با بیان اینکه ما برای همه حوزه‌ها و برای همه زمینه‌ها برنامه داریم و آماده‌ایم، اظهار کرد: دشمن باید مراقب باشد، همان‌طور که در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و فتنه آمریکایی دچار محاسبه غلط شد و در هر ۲ شکست خورد، دچار خطای دیگری نشود. وی افزود: امیدوارم در محاسبات خودشان بازاندیشی کرده و عاقلانه فکر کنند. سردار وحیدی در ادامه موضوع بازدارندگی و بویژه بازدارندگی علمی را یک عنصر مهم در حوزه امنیت و اقتدار تعریف کرد و افزود: این بازدارندگی را دانشگاه‌ها و ظرفیت‌های تنبگی و دانشمندان عزیز ما که با حوزه‌های علم، دانش و فناوری مرتبط هستند ایجاد می‌کنند. وی در پایان خاطرنشان کرد: کشور پیشرفت و توسعه خود را مدیون حرکت علمی دانشگاه‌ها است و علم و دانش امروز حرف اول را می‌زند. همان‌طور که رهبر عزیزمان فروموند دشمن با دین و دانش ما مخالف است و لذا ما باید شعله دانش، علم، فناوری و خودباوری را روشن نگه داریم.

■ ■ ■

پاسخ نمایندگان ایران

در سازمان ملل به لفاظی جدید ترامپ

دفتر نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل در نیویورک در واکنش به لفاظی جدید ترامپ اعلام کرد ایران آماده گفت‌وگو براساس احترام و منافع متقابل است ولی اگر تعرضی علیه آن صورت بگیرد، پاسخخ درنداکتر از قبل خواهد بود. دفتر نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل در نیویورک دیروز در پی لفاظی جدید دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و تهدید دوباره ایران اعلام کرد: آخرین باری که ایالات متحده در جنگ‌های افغانستان و عراق اشتباه مرتکب شد، بیش از ۷ تریلیون دلار را هدر داد و بیش از ۷۰۰۰ آمریکایی جان‌شان را از دست دادند. نمایندگان ایران در شبکه ایکس در این باره عنوان کرد: ایران آماده گفت‌وگو براساس احترام و منافع متقابل است اما اگر مورد تهدید و تحت فشار قرار بگیرد، از خودش دفاع می‌کند و پاسخش به این تهدیدات، هرگز مثل قبل نخواهد بود.



وال استریت ژورنال اذعان کرد به دلیل عدم همراهی متحدان منطقه‌ای آمریکا علیه ایران، گزینه‌های ترامپ محدود است

منطقه علیه جنگ ترامپ

گروه سیاسی: در شرایطی که دونالد ترامپ ادبیات تهدیدآمیز خود علیه ایران را تشدید کرده و برای چندمین بار در هفته‌های اخیر از اعزام ناوگروه آبراهام لینکلن به منطقه خبر داده، واقعیت‌های میدانی منطقه غرب آسیا مسیر متفاوتی را نشان می‌دهد. برخلاف مقاطع گذشته، این بار میان لفاظی‌های کاخ سفید و آنچه در سطح منطقه در حال وقوع است، شکافی عمیق شکل گرفته است. نه‌تنها کشورهای منطقه تمایلی به همراهی با خواسته‌های رئیس‌جمهور ایالات متحده ندارند، بلکه بازیگران مهم و اثرگذار منطقه‌ای به‌طور ضمنی و علنی به واشنگتن هشدار داده‌اند هر گونه اقدام نظامی علیه ایران، به معنای شعله‌ور شدن یک بحران فراگیر و درگیر شدن کل منطقه خواهد بود؛ سناریویی که هیچ‌یک از طرف‌های منطقه‌ای حاضر به پذیرش هزینه‌های آن نیستند.

در همین چارچوب، روزنامه آمریکایی وال‌استریت ژورنال در گزارشی قابل توجه درباره تحولات اخیر منطقه، به محدود شدن واقعی گزینه‌های دولت ترامپ اذعان کرده است. این رسانه تأکید می‌کند متحدان کلیدی آمریکا در خلیج‌فارس، برخلاف انتظار واشنگتن، اعلام کرده‌اند در حمله احتمالی به ایران نه‌تنها مشارکت نخواهند کرد، بلکه حتی اجازه استفاده از زیرساخت‌های حیاتی خود از جمله حریم هوایی و خاک‌شان را نیز نخواهند داد. این اعتراف رسانه‌ای، مشخصاً نشان‌دهنده شکست تلاش آمریکا برای ایجاد یک اجماع منطقه‌ای علیه ایران است.

نقطه کانونی این تحول، بویژه موضع عربستان سعودی است. وال‌استریت ژورنال گزارش می‌دهد ریاض به صراحت اعلام کرده اجازه نخواهد داد از حریم هوایی یا قلمرو این کشور برای هیچ‌گونه اقدام نظامی علیه ایران استفاده شود. این موضع، به‌گفته تحلیلگران آمریکایی، نه یک تصمیم تاکتیکی موقت،

بلکه حاصل یک محاسبه راهبردی در ریاض است؛ محاسبه‌ای که بر پایه نگرانی عمیق عربستان از کشیده شدن به یک تقابل مستقیم با ایران شکل گرفته است. تجربه حمله به تأسیسات نفتی عربستان در سال ۲۰۱۹ همچنان به عنوان یک زنگ خطر جدی در ذهن تصمیم‌سازان سعودی باقی مانده و آنها به‌خوبی می‌دانند هر گونه درگیری جدید، می‌تواند اقتصاد، امنیت انرژی و ثبات داخلی این کشور را بشدت تهدید کند. در همین چارچوب باید به تحرکات دیپلماتیک اخیر میان تهران و پایتخت‌های عربی نیز توجه کرد. تماس تلفنی محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان سعودی با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران – که به‌طور مستقیم به موضوع تحولات امنیتی منطقه و مخالفت ریاض با هر گونه اقدام نظامی علیه ایران اختصاص داشت – را می‌توان تلاشی آشکار برای مدیریت تنش و جلوگیری از کشیده شدن منطقه به یک درگیری فراگیر ارزیابی کرد. این تماس نشان می‌دهد عربستان در شرایط کنونی ترجیح می‌دهد مسیر گفت‌وگو و مهار بحران را جایگزین سناریوهای پر هزینه تقابل نظامی کند.

همچنین تماس‌های جداگانه وزیر خارجه عربستان سعودی و وزیر خارجه قطر با سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران را باید در همین چارچوب قابل تحلیل دانست. این رازبازی‌ها بیانگر آن است که کشورهای کلیدی عربی، همزمان با افزایش تهدیدهای لفظی واشنگتن، به‌دنبال انتقال پیام‌های سیاسی و امنیتی به تهران و در عین حال فاصله‌گذاری عملی از هر گونه مداخله‌جویی نظامی آمریکا در منطقه هستند.

وال‌استریت ژورنال همچنین به نقل از مقامات و فرماندهان ارشد سابق ارتش آمریکا تأکید می‌کند عدم همراهی عربستان، پیچیدگی عملیاتی هر گونه اقدام نظامی آمریکا علیه ایران را افزایش داده و هزینه‌های سیاسی و نظامی آن را برای کاخ

مالکی در برابر ترامپ

تمامیت ارضی و موجودیت این کشور را تهدید می‌کند، کاملاً مشخص است چارچوب هماهنگی شیعه با پشوتانه رای مردمی اکثریت عراقی‌ها در برابر این دخالت آشکار ترامپ ایستادگی خواهد کرد. این دخالت علنی ترامپ نشان می‌دهد او به دنبال این است دولتی در عراق شکل بگیرد که اولاً زیاده‌خواهی‌های واشنگتن درباره گروهای مقاومت را جامه عمل بپوشاند و ثانیاً در برابر فتنه آینده داعش و دیگر تروریست‌ها علیه تمامیت ارضی عراق، رفتاری منفعلانه از خود نشان دهد.

به هر حال، دخالت آشکار ترامپ در فرآیند مموکراتیک قدرت در عراق، وجه و نمود دیگری از بی‌توجهی واشنگتن نسبت به قوانین، قواعد و ساختارهای بین‌المللی است. ترامپ در یک سال اول دوره دوم ریاست‌جمهوری خود به وضوح نشان داد کمترین توجه و اعتنایی به قوانین و ساختارهای بین‌المللی نشان نمی‌دهد. ترامپ تمعداً این بی‌اعتنایی را نشان می‌دهد تا این پیام را برساند: اکنون دولت آمریکا نسخه جدیدی از استکبار و سلطه‌جویی بر دنیا را در پیش گرفته است؛ رفتاری که اخیراً مجله آلمانی اشپیگل به بهانه طمع‌ورزی ترامپ برای اشغال گرینلند، عنوان «امپریالیسم ترامپی» را برای توصیف آن برگزید. اکنون درباره عراق، امپریالیسم ترامپی وجه دیگری از خود را نشان داده

و قرار گرفتن زیر چتر رهبری ایالات متحده به مثابه تضمینی نسبی تلقی می‌شد، اکنون همان ادغام اقتصادی و امنیتی به ابزاری تبدیل شده که می‌تواند علیه همان متحدان به کار گرفته شود. این تجربه جدید، بویژه وقتی از زبان نزدیک‌ترین شریک ژئوپلیتیک واشنگتن بیان می‌شود، نشانگر وقوع یک تغییر پارادایمی واقعی است: بازنگری در محمولات سیاست خارجی کشورهایی که پیش از این از مزایای نظم لیبرال بهره‌مند می‌شدند. خوانش انتقادی این پدیده باید از ۲ وجه انجام شود؛ نخست از منظر ساختاری: نظم بین‌المللی فعلی مبتنی بر توزیع نامتقارن قدرت است؛ هژمون، کالاهای عمومی را فراهم می‌کند و متحدان در ازای آن نسبتی از اقتدار و امنیت کسب می‌کنند اما وقتی هژمون رفتارهای یک‌جانبه و ابزارهای اقتصادی – سیاسی را علیه متحدانش اعمال می‌کند، معامله نامادین «حمایت در برابر تبعیت متقابل» فرومی‌پاشد. دوم از منظر هویت و روایت: اروپای پساجنگ جهانی و شرقی آن در غرب، خود را ذی‌نفعانی می‌دانستند که نظام قواعد بین‌المللی را مشروع و مفید می‌پنداشتند؛ اکنون این روایت شکست خورده و ضرورت بازخوانی مبانی مشروعیت نظم بیرون از سکوی ایدئولوژیک قدیمی مطرح است. این بیداری درهنگام اما محدودیت‌های روشنی دارد. نقدی که از زبان رهبران غربی شنیده می‌شود عموماً از درون نظم لیبرال و از موضع ذی‌نفع ناراضی بیان می‌شود؛ یعنی آنها خواهان مدیریت بهتر و توزیع معقول‌تر هزینه‌ها هستند، نه فروپاشی یا بازتعریف کامل ساختار قدرت.

به عبارت دیگر، تلاش امروز معطوف به «بازتولید هژمونی» در پوششش نو یا «کاستن از آسیب‌پذیری» در درون همان نظم پیشین است؛ چارچوبی محافظه‌کارانه که هدفش تأمین

در همین رابطه، رسانه عربی العری‌الجدید نیز اخیراً مدعی شده است واشنگتن پیام‌هایی تهدیدآمیز برای تهران ارسال کرده و در آنها خواستار «محدود ماندن واکنش ایران» در صورت حمله احتمالی شده است اما به‌گفته این رسانه، پاسخ ایران کاملاً صریح و شش‌دالاح بوده است: هر گونه حمله آمریکا، فراغ از سطح و گستره آن، با واکنشی غیرمحدود روبه‌رو خواهد شد و می‌تواند منطقه را به سمت یک جنگ تمام‌عیار سوق دهد. این پیام، در عمل مکمل همان هشدارهایی است که ایران و متحدانش در میدان سیاسی و نظامی ارسال کرده‌اند. مجموع این تحولات نشان می‌دهد فضای کنونی منطقه، دیگر با الگوهای گذشته قابل مقایسه نیست. لفاظی‌های تند ترامپ اگرچه در سطح رسانه‌ای پررنگ است اما در میدان عمل با دیواری از ملاحظات امنیتی، هشدارهای منطقه‌ای و فقدان همراهی متحدان روبه‌رو شده است؛ واقعیتی که حتی رسانه‌های جریان اصلی آمریکا نیز ناگزیر به اذعان به آن شده‌اند. اگر ترامپ در دولت اول خود می‌توانست با فشار حداکثری و ائتلاف‌سازی منطقه‌ای علیه ایران پیش برود، این بار با مقاومت جدی از سوی همان متحدان سنتی روبه‌رو شده است. مثلاً عربستان سعودی که روابط نزدیکی با ترامپ دارد و حتی از خرید اف‌۳۵ و فناوری هوش مصنوعی آمریکا بهره برده، ترجیح داده فاصله بگیرد تا از تبدیل شدن به میدان درگیری اجتناب کند. همانطور که وال استریت ژورنال هم به آن اشاره کرده، مواضع ریاض و دیگر بازیگران منطقه‌ای، گزینه‌های نظامی آمریکا را محدودتر کرده و احتمالاً ترامپ را به سمت گزینه‌های غیرنظامی سوق می‌دهد اما اگر لفاظی‌ها به اقدام عملی تبدیل شود، منطقه آماده یک درگیری گسترده است که هزینه‌اش برای همه طرف‌ها، از جمله آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش بسیار سنگین خواهد بود.

حمله به سوریه، در مصاحبه‌ای گفته بود به دنبال تحقق ایده اسرائیل از نیل تا فرات است. با توجه به حضور نظامی رژیم در بخش‌هایی از خاک سوریه و اشغال این مناطق، همچنین جداسازی ۳ استان قطیفره، درعا و سویدا از حاکمیت دمشق، این رژیم اکنون به دنبال دسترسی سریع به مرزهای سوریه با عراق است؛ هدفی که به وضوح نشان می‌دهد نتایج‌ه سقوط حکومت اسد را فرصتی برای تحقق ایده اسرائیل از نیل تا فرات می‌داند. قریعاً تصمیم‌گیران عراق این تحرک را مشاهده کرده و از طراحی نتایج‌ه، همین‌طور انطباق این طرح با پروژه کلان آمریکا برای منطقه و عراق مطلع هستند. بنابراین اکنون همه چیز برای تصمیم‌گیران عراق مشخص و آشکار است. عراقی‌ها می‌دانند تصمیمی که در برابر این دخالت ترامپ و فشار آشکار و برای صفرایگذاری از نخست‌وزیری مالکی می‌گیرند، یک انتخاب مقطعی و مختص زمان فعلی نیست، بلکه اثرات آن تا مدت‌ها بر تحولات و جایگاه عراق در منطقه وجود خواهد داشت. در نهایت آنچه عراقی‌ها درباره این موضع ترامپ اتخاذ خواهند کرد، تعیین‌کننده مسیر و سرنوشت آینده عراق در دریای متلاطم و پر آشوب منطقه است.

صفحه ۷ **ابخوانید**

تقویت دیپلماسی عمومی، پایگاه مشروعیت داخلی و گفت‌وگوی اجتماعی درباره هزینه‌ها و فایده‌های هر انتخاب، شرط لازم برای پایداری سیاست‌های بلندمدت خواهد بود. نکته‌ی کلیدی اما این است که تغییر روایت کافی نیست؛ باید تطبیق نهادهای و بازتوزیع منابع نیز رخ دهد. بیانیه‌های انتقادی بدون صرمایه‌گذاری در صنایع دفاعی، زیرساخت‌های انرژی و غذا یا اصلاح بنیادین در سیاست تجاری و فناوری، به زبان نمادین تقلیل می‌یابد. بنابراین آنچه امروز از زبان کانادا و برخی رهبران اروپایی شنیده می‌شود، اگر به سیاست‌گذاری تبدیل نشود، صرفاً تبدیل به یک «شکل نوین محافظه‌کاری» خواهد شد. بهبود ابزارهای کاهش آسیب در حالی که بنیان‌های نظام توزیع قدرت تغییر یافته باقی می‌ماند. سرانجام باید پرسید آیا غرب هنوز آمادگی تحمل هزینه‌های استقلال راهبردی را دارد؟ آیا کشورهای میانی حاضرند از مزایای کوتاه‌مدت تبعیت صرف‌نظر کنند تا زیرساخت‌های تداوم بلندمدت را بسازند؟ پاسخ به این پرسش‌ها تعیین‌کننده خواهد بود. اگر تمایل به تحول واقعی وجود داشته باشد، آنچه امروز با اعتراضات دیپلماتیک آغاز شده می‌تواند به بازآفرینی یک معماری امنیتی – اقتصادی مبتنی بر قواعد مشترک و توزیع شده منجر شود. نقطه محوری سخنان کارنی، نقد تمایل فراگیر به «کنار آمدن و سازش» است؛ همان گرایشی که کشورها را به اطاعت، سازگاری و سکوت سوق می‌دهد، به این امید که تبعیت بتواند امنیت بخرد. از این منطلق را صریحاً رد می‌کند و تأکید دارد چنین معاملهای دیگر کار نخواهد کرد. این جمله کوتاه اما قاطع، پایان یک توهم دیرپا را اعلام می‌کند: این تصور که همسویی بی‌چون و چرا با آمریکا، مصونیت به همراه می‌آورد.